

## اثربخشی برنامه تقویت هوش هیجانی بر کنترل رفتار قلدری نوجوانان

### Effect of emotional intelligence reinforcement program on controlling of teenagers bullying behavior

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۰

Kimiaee S.A. PhD<sup>✉</sup>, Raftar M.R. MSc  
Soltanifar A. MD

سیدعلی کیمیایی<sup>✉</sup>، محمدرضا رفتار<sup>۱</sup>  
عاطفه سلطانی فر<sup>۱</sup>

#### Abstract

**Introduction:** This research was performed to study the efficacy of emotional intelligence reinforcement on controlling bullying behavior in teenagers.

**Method:** This research consisted of a qui-experimental type (pre-test and post-test) with a control group. Among 100 mid-school students that were selected by a cluster random sampling method, 20 students were selected with a bullying semi-structured interview as a bully and divided randomly into experimental and control groups. The investigational questionnaire was the Schutte Emotional Intelligence Quotient (EQ) questionnaire that both groups completed in two steps involving a pre-test and post-test. Finally, the subjects were interviewed with the bullying semi-structured interview. Data were analyzed using t-tests, Pearson correlation coefficients and regression analysis.

**Results:** A strong negative correlation existed between the EQ of teenage boys and bullying. Thus, EQ reinforcement in bullying teenagers can lead to improved states of emotion, regulation, assessment and present emotion and reduced bully behaviors. Moreover, EQ can predict bullying behaviors significantly in the context of school.

**Conclusion:** Because bullying is highly prevalent in teenagers and has negative consequences, EQ skills training can help them with emotional adjustments, assessments, regulation, and the use of emotion and reduce bully behaviors in the context of school.

**Keywords:** Emotional Intelligence, Bullying, Teenagers

#### چکیده

**مقدمه:** این پژوهش، با هدف تعیین تأثیر تقویت هوش هیجانی بر کنترل رفتار قلدری نوجوانان انجام گرفت.

**روش:** طرح پژوهشی از نوع شبه تجربی (طرح پیش آزمون و پس آزمون) با گروه کنترل بود. بدین منظور از بین ۱۰۰ دانش آموز مقطع راهنمایی که به صورت خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، تعداد ۲۰ دانش‌آموز با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته قلدری به‌عنوان قلدر غربال و به صورت تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه هوش هیجانی شات بود که آزمودنی‌ها قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل کامل نموده و در آخر مجدداً مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قلدری نیز قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تحلیل قرار گرفت.

**یافته‌ها:** بین هوش هیجانی و قلدری نوجوانان پسر همبستگی منفی قوی وجود داشت. همچنین تقویت هوش هیجانی نوجوانان قلدر با بهبود به‌کارگیری هیجان، تنظیم هیجان و ارزیابی و بیان هیجان، رفتار قلدری را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، هوش هیجانی توانایی پیش‌بینی رفتار قلدری را به‌طور معناداری داراست.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به شیوع رفتار قلدری در بین نوجوانان و پیامدهای منفی آن به‌نظر می‌رسد که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند این نوجوانان را در به‌کارگیری، تنظیم و بیان هیجان‌های خود و درک هیجان دیگران یاری‌بخشیده و رفتار قلدری آنان را در بافت مدرسه کاهش دهد.

**کلیدواژه‌ها:** هوش هیجانی، قلدری، نوجوانان

✉ **Corresponding Author:** Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran  
Email: Kimiaee@um.ac.ir

✉ گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران  
۱- گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران  
۲- گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

با ظهور عصر اطلاعات و ارتقاء ارزش‌مندی ارتباطات انسانی و هم‌چنین بروز موقعیت‌های استراتژیک سازمانی، نظریه هوش‌هیجانی رشد چشم‌گیری یافته و از مباحث پرطرفدار سازمانی شده است. هوش‌هیجانی (EI)، اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و معمولاً به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌گردد که فراتر از حوزه مشخصی از دانش‌های پیشین، چون هوش‌شهر و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. هوش‌هیجانی از آخرین مباحث متخصصین در خصوص درک تمایز بین منطقی و هیجان بوده و برخلاف مباحث اولیه در اینجا، فکر و هیجان به‌عنوان موضوعاتی برای سازگاری و هوش‌مندی تلقی شده‌است. اصطلاح هوش‌هیجانی برای اولین بار توسط پیتر سالووی و جان‌مایر مطرح شد [۱]. آنان معتقدند، کسانی که از هوش‌هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایزگذارده و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند [۲].

اگرچه پژوهشگران متفاوت، از هوش‌هیجانی و مولفه‌های آن، برداشت‌های متفاوتی را ارائه نموده‌اند، اما به‌طور کلی افرادی از قبیل سالووی، مایر، بار-آن و گلن، هوش‌هیجانی را شامل ظرفیت‌هایی از قبیل: ادراک کردن و پاسخ مناسب‌دادن به خلق‌ها، انگیزه‌ها و مطالبات دیگران و فهم درست از هیجانات خود، بیان کردن آنها و مواجهه مناسب با هیجانات خویش می‌دانند [۳]. هوش‌هیجانی از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، توانایی‌ها و تسهیل‌کننده‌های گوناگونی ساخته شده است که بیشتر آنها را می‌توان از طریق یادگیری در دیگران ایجاد نمود و یا پرورش داد. پایه‌ریزی هوش‌هیجانی از دوره اولیه زندگی آغاز می‌شود و شکل‌گیری آن در سراسر دوران مدرسه ادامه می‌یابد. بنابراین، تعجبی ندارد اگر ادعا کنیم که می‌توان مدارس را به‌عنوان اولین مراکز و پایه‌های پرورش هوش‌هیجانی به‌حساب آورد [۴، ۵]. این درحالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد [۶]، نوجوانانی که هوش‌هیجانی پایین‌تری دارند نسبت به دیگران رفتار قلدری بیشتری دارند.

قلدری می‌تواند از مشکلات جدی مدرسه و از شایع‌ترین موارد سوءرفتار در جامعه باشد. قلدری سوءاستفاده از قدرت است و می‌تواند به سه‌نوع کلامی، جسمی یا روانی صورت گیرد. قلدران مدرسه آنهایی را که نمی‌توانند از خود دفاع کنند مکرراً مورد طعن، ناسزا، آزار، تهدید و تمسخر قرار می‌دهند. بعضی اوقات قربانیان، مورد تهاجم فیزیکی نیز قرار می‌گیرند. اخیراً نوع خیلی متفاوتی از تعامل اجتماعی که ممکن است در گذشته نادیده گرفته شده باشد به قلدری نسبت داده می‌شود که هر عمل آزادی

را که احساس آسیب، تحقیر، بی‌ارزشی، ترس یا از خود بیگانگی را در فرد دیگر ایجاد می‌کند را در بر می‌گیرد [۵]. از پیامدهای طولانی مدت قلدری می‌توان به ترک تحصیل زود هنگام، کاهش عزت‌نفس، افسردگی و در دراز مدت به اعتیاد اشاره کرد [۷].

قلدری پدیده‌ای بسیار شایع است. در پژوهشی که در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه ملی سلامت کودکان آمریکا صورت گرفت نزدیک به ۳/۱ میلیون دانش‌آموز به نوعی پدیده قلدری را تجربه کرده بودند. ۱۳ درصد به‌عنوان قلدر، ۱۱ درصد به‌عنوان قربانی و ۶ درصد به‌عنوان هر دو. حدود ۱۰ درصد آنها هفته‌ای یک‌مرتبه یا بیشتر با این پدیده روبه‌رو شده بودند. قلدری در پسرها سه برابر دخترها و در اوایل نوجوانی (۱۴-۱۱ سالگی) شدیدتر گزارش شده بود. پسران قلدر معمولاً هر دو جنس پسر و دختر را مورد آزار قرار می‌دهند، ولی دختران قلدر نسبت به همجنس‌های خویش قلدری می‌کنند. قلدری اغلب موثر واقع می‌شود و قربانیان از هر طیفی به‌لحاظ سن، جنس، تحصیلات و طبقه اجتماعی را در بر می‌گیرد، بنابراین تداوم می‌یابد [۸].

بسیاری از معلمان و آموزگاران تخمین زده‌اند که میزان زورگویی‌ها و قلدری‌هایی که در مدارس رخ داده است حاکی از آن است که حدود ۸۰ درصد این تهدیدها و ارباب‌ها در مکان‌هایی همچون سالن مدارس و کلاس‌های درس و در نزدیکی معلم اتفاق می‌افتد، بدون اینکه معلمان از آن آگاه باشند. حدود دو سوم دانش‌آموزان گزارش داده‌اند که کارکنان مدرسه محل تحصیل آنان نمی‌توانند مشکل قلدری را در مدرسه به‌خوبی کنترل کنند (فقط ۶ درصد دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند که کنترل این امر به‌خوبی صورت می‌گیرد)، و با توجه به این که بسیاری از دانش‌آموزان بر این عقیده‌اند که معلمان از بسیاری از قلدری‌ها و زورگویی‌هایی که رخ می‌دهد، آگاهی ندارند [۹]. بنابراین، علی‌رغم توجه بسیاری که به این موضوع شده و تلاش‌هایی که برای از بین بردن آن صورت گرفته است اما همچنان معضل زورگویی و قلدری به‌قوت خود باقی است. بسیاری از تحقیقاتی که در مدارس صورت گرفته است بیشتر در مورد افراد پرخاشگر و متجاوز متمرکز است. اگر هر یک از راهبردهای اجرایی ارائه‌شده به شکست بیانجامد، شاید دیگر زمان آن فرارسیده باشد که به‌دنبال شناخت راه‌کارها و همچنین احتمالات جدیدتری برای مشخص کردن مشکل قلدری و تهدید باشیم [۱۰].

با وجود این که مطالعات کیفی و کمی متعددی در مورد قلدری وجود دارد [۱۱]، اما بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه کمی بوده و در آنها به‌موضوعات فرایند روابط و بافت اجتماعی که به‌عنوان یک فاکتور اصلی در نظریه قلدری مطرح می‌باشد، توجه نشده است [۱۲]. همچنین، مطالعات اندکی در مورد عدلت یا سبب‌شناسی قلدری وجود دارد و مکانیزم‌های اساسی این رویداد شناخته نشده است، فرضیه‌های کمی در مورد فرایند قلدری ساخته شده و تلاش

برای غربال قلدری بود که در پژوهش کارول باتاگلیو [۷]، مورد استفاده قرار گرفت. کارول باتاگلیو گفته‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه را با استفاده از فرایندهای کد باز، کد محور و انتخاب کد، تجزیه و تحلیل کرد و با اقتباس از مدل پارادایم کوربین و استراس یک نظریه از قلدری را به وجود آورد [۱۴]. مفاهیم بدست‌آمده از تجزیه و تحلیل کد باز شامل ویژگی‌های فردی افراد قلدر (منحصر به‌فرد بودن، اخراج شدن، باهوش بودن یا دیرآموز بودن، دوستان اندک داشتن، دعواکردن یا فرارکردن، قدرت‌داشتن، دلبستگی‌نداشتن، ترک تحصیل کردن، اعتیاد یا عدم سلامت روانی؛ پویایی‌های گروهی (وابستگی به گروه‌داشتن، جایگاه و مقام‌داشتن، همیشه مقصر شناخته‌شدن، تلافی‌کردن و مورد احترام واقع‌نشدن)، که بر قلدری موثر هستند شناسایی و هر یک از این دانش‌آموزان در این مفاهیم براساس مقیاس‌های قوی، متوسط و ضعیف ارزیابی شدند.

در پژوهش حاضر پس از این‌که پژوهشگر با ۱۰۰ دانش‌آموز مصاحبه انجام داد و هر مصاحبه به‌طور متوسط حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشید، فرایند تجزیه و تحلیل هر مصاحبه بلافاصله بعد از فرایند مصاحبه انجام می‌شد. قبل از اینکه هر مصاحبه شروع شود، پاسخ‌دهندگان از ماهیت تحقیق آگاه می‌شدند. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود به‌طوری که محقق می‌توانست انتخاب استاندارد از سوال‌ها داشته باشد. سوال‌هایی به‌کار گرفته شدند تا پاسخ‌دهندگان را برانگیزانند که تجارب قلدری کردن خودشان را بیان کنند. در پایان نمرات بدست‌آمده از مصاحبه این دانش‌آموزان (با میانگین سنی ۱۴/۶ و انحراف معیار ۱/۲۸) که بالاترین نمره را در مصاحبه‌ها بدست آورده بودند به کمک ضریب آلفای کرونباخ مورد تحلیل قرار گرفت که آلفای کرونباخ ۰/۹۱۵ بدست آمد. این ضریب نشان‌دهنده همسانی درونی قابل توجهی می‌باشد و روایی قوی و مناسب مصاحبه را می‌رساند. آنگاه این ۲۰ دانش‌آموز به‌طور تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و کنترل گمارش شدند.

سپس پرسشنامه هوش هیجانی شات و همکاران، برای ارزیابی هوش هیجانی نوجوانان اجرا شد. در این پرسشنامه سؤال‌ها در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای و به‌روش لیکرت درجه‌بندی می‌شود و دارای ۳ خرده مقیاس ارزیابی و ابراز هیجان، تنظیم و مدیریت هیجان و بهره‌برداری از هیجان است [۱۵، ۱۶]. ضریب اعتبار این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ توسط سیاروچی و همکاران [۱۹] ۰/۸۴، محمدی [۱۷] ۰/۸۴ و خسروجاوید [۱۸]، ۰/۸۱ محاسبه شده است. در مطالعه‌ای [۱۷] که در مورد دانشجویان کانادایی انجام شد، همستگی مقیاس هوش هیجانی شات با مقیاس آلکسی‌تیمیا ۰/۵۲-، روان‌آزردگی ۰/۳۷-، برون‌گرایی ۰/۵۱-، گشودگی ۰/۲۷، سازندگی ۰/۱۸، وظیفه‌شناسی ۰/۳۸، و مستعد افسردگی ۰/۳۸- گزارش شد.

کمی انجام‌شده تا یک تعریف نظری گسترده از قلدری به‌وجود آوردند [۱۳].

بدین منظور کارول باتاگلیو [۶]، پژوهشی با هدف تلاش برای درک بهتر پدیده قلدری به‌منظور ایجاد روش‌های موثر بیشتر برای پیشگیری از آن انجام داد. اگر چه در میزان بروز قلدری مدرسه و پیامدهای منفی دراز مدتش بر عزت‌نفس و سلامت روانی توافق کلی وجود دارد، شرکت‌کنندگان در این مطالعه بیان کردند که درک آنها از آنچه به‌عنوان قربانی و قلدر تعریف می‌شود، نیاز به موشکافی دقیق‌تری دارد. تصویر قلدری پدید آمده از این مطالعه حذف قلدری از مدرسه را پیشنهاد می‌کند و مداخله‌ها ممکن است شامل تلاش گسترده برای جداسازی افراد در پویایی‌های گروهی را شامل شود. تجارب دلبستگی، پویایی گروه، نظام قدرت و سابقه اجتماعی در ایجاد خصوصیات اشخاصی که قلدری را مطرح می‌کردند، عواملی با اهمیت برابری هستند [۶]. با این وجود به‌نظر می‌رسد که برنامه‌های اندکی برای پیشگیری و کاهش قلدری و اثرات آن بر قربانیان طراحی شده است [۲۹، ۳۰، ۳۱]، در حالی‌که دانش‌آموزانی که در مدرسه با همسالان قلدر مواجه می‌شوند، استرس مضاعفی را تجربه می‌نمایند [۳۱]؛ درگیر امنیت فردیشان شده و در معرض مشکلات سلامتی تحصیلی و سلامت روانی قرار می‌گیرند [۳۱]، [۳۲]. با توجه به اهمیت این مشکل و خلاءهای پژوهشی در خصوص این موضوع در ایران این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی برنامه تقویت هوش هیجانی بر کنترل رفتار قلدری نوجوانان انجام شد. ضمن اینکه رابطه بین هوش هیجانی با قلدری و توان پیش‌بینی قلدری به کمک هوش هیجانی نیز به آزمون گذاشته شد.

## روش

پژوهش حاضر شبه تجربی و از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری مورد پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی ناحیه پنج آموزش و پرورش شهر مشهد بود که تعداد ۱۵۲۵۰ دانش‌آموز در ۷۰ مدرسه راهنمایی را شامل می‌شد. جهت نمونه‌گیری ابتدا از بین ۷۰ مدرسه راهنمایی آموزش و پرورش ناحیه ۵ مشهد به‌صورت خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای یک مدرسه که در دو شیفت ۷۹۰ دانش‌آموز داشت، انتخاب شد. سپس از بین دانش‌آموزان به‌صورت تصادفی ساده تعداد ۱۰۰ دانش‌آموز انتخاب شدند و مورد مصاحبه قلدری قرار گرفتند. آنگاه تعداد ۲۰ دانش‌آموز که پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه مبتنی بر روش کارول باتاگلیو نمره بیشتری در قلدری بدست آورده بودند، انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند.

ابزار پژوهش حاضر در مرحله نخست مصاحبه نیمه ساختاریافته

رگرسیون در مورد قلدری، نتایج (جدول ۵) نشان می‌دهد که این ضریب معادل ۰/۷۲۸ است (نمره هوش هیجانی  $\times ۰/۲۹۶ -$  ۲/۱۱۵ = مقیاس کل قلدری) یعنی به ازای هر واحد افزایش هوش هیجانی در نوجوانان قلدر ۰/۲۹۶- از نمره قلدری آنها کاسته می‌شود (جدول ۵).

### بحث

هوش هیجانی نقشی اساسی در تعاملات انسان‌ها داشته و بر فعالیت‌های مرتبط با خانه، مدرسه، شغل و دیگر موقعیت‌ها تاثیرگذار است. هوش هیجانی می‌تواند در یافتن راه‌حلی برای کاهش استرس‌ها با استفاده از خودآگاهی هیجانی، در سازگاری با چالش‌های زندگی و کاهش اختلالات روانی تأثیری قابل توجه داشته باشد [۲۰]. اما واقعیت این است که در تعلیم و تربیت این گونه نیست و نوجوانان قلدر و دارای هوش هیجانی پایین از مشکلات جدی مدارس و به طبع آن از شایع‌ترین مصادیق سوء رفتار در جامعه هستند، چرا که در بسیاری از موارد قلدری به ترک تحصیل، افسردگی، عزت‌نفس پایین و اعتیاد منتهی می‌شود [۱۴، ۱۶]. در این خصوص یافته‌های پژوهش حاضر نیز موید این است که بین قلدری و هوش هیجانی رابطه منفی وجود دارد. این یافته پژوهش حاضر با سایر یافته‌ها که نشان می‌دهد بین اختلالات رفتاری با هوش هیجانی رابطه منفی وجود دارد و هوش هیجانی می‌تواند اختلالات رفتاری را پیش‌بینی کند [۱۷] هماهنگ است. از این نقطه نظر، اخیراً [۲۸]، مداخله‌هایی برای بهبود هوش هیجانی برای کودکان، نوجوانان، مدیران و افرادی که مشکلات رفتاری و عاطفی دارند، طراحی شده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برنامه آموزش هوش هیجانی بر مولفه‌های به‌کارگیری هیجان، تنظیم هیجان و ارزیابی و بیان هیجان در نوجوانان قلدر تاثیر معناداری دارد. مایر و سالوی [۲۱]، [۱] نیز معتقدند نوجوانانی که احساسات خود را تشخیص داده و معانی ضمنی آن را درک می‌کنند به‌گونه موثرتری تجربه هیجانی خود را تنظیم و در نتیجه در سازگاری با تجربه‌های منفی موفقیت بیشتری دارند تا نوجوانانی که به‌لحاظ توانش هیجانی ضعیف عمل می‌کنند. سایر یافته‌ها [۲۲] نیز نشان‌دهنده کارایی آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر بهبود شاخص هوش هیجانی در نوجوانان است. هم‌چنین این پژوهش، یافته سایر پژوهش‌ها را که نشان می‌دهد آموزش هوش هیجانی، باعث افزایش آن در دانش‌آموزان می‌شود [۲۳] و آشکارا بر عملکرد تحصیلی و رفتار ناهنجار دانش‌آموزان به‌خصوص دانش‌آموزان آسیب‌پذیر اثرگذار است [۲۶] و به طبع آن دانش‌آموزانی که هوش هیجانی بهتری دارند از نمرات بالاتر و موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردارند، را تأیید می‌نماید [۲۷].

خسروخواهید [۱۸] نیز همبستگی نمره‌های هوش هیجانی نثات را با افسردگی  $-۰/۳۳ -$ ، اضطراب  $-۰/۲۵ -$  و الکسی تایمی  $-۰/۱۵ -$  گزارش نمود. این ضریب همبستگی‌ها روایی ملاکی پرسشنامه را نشان می‌دهد. روش نمره‌گذاری پرسشنامه به این صورت است که گزینه‌های کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، نه مخالف نه موافق ۳، تا حدودی موافق ۴، و کاملاً موافق ۵ نمره داده می‌شود، البته جمله‌های ۵، ۲۸، ۳۳ به‌صورت معکوس نمره داده می‌شود [۱۶]، ۱۷، ۱۸، ۱۹].

برنامه آموزش هوش هیجانی شامل ۱۰ جلسه یک و نیم ساعته بود که در فاصله یک هفته‌ای برگزار می‌شد تا شرکت‌کنندگان بتوانند آموخته‌هایشان از برنامه را در زندگی روزمره خود به‌کار گیرند. طرح آموزش بر اساس مدل چهار مرحله‌ای مایر و سالوی با اقتباس از *لیاس و همکاران* [۲۵] بود که مولفه‌های آن: ۱- درک، ارزیابی و بیان هیجان (به کمک همدلی، خود افشایی، شناسایی احساسات مربوط به خود)، ۲- تسهیل تفکر (شناسایی نشانه‌های کلامی و غیر کلامی مربوط به قلدری، شناسایی توانایی‌ها، تصویر خود)، ۳- درک و تجزیه هیجان (شناسایی احساسات مربوط به خود، تفاوت‌ها و شباهت‌ها، شایستگی‌ها، حل مسأله) و ۴- مدیریت واکنش‌های هیجانی (شناسایی مکان‌های امن و ناامن، راه‌های مراقبت از خود، افزایش همدلی و کمک به دیگران) را شامل می‌شد.

### یافته‌ها

میانگین سنی در گروه آزمایش ( $M=۱۴$ ،  $Sd=۱/۴۳$ ) و در گروه کنترل ( $M=۱۵$ ،  $Sd=۱/۱۳۵$ ) و ۵۵ درصد شرکت‌کنندگان دو گروه به‌لحاظ تحصیلی پایه دوم راهنمایی می‌باشند که جدول ۱ نشان داده شده است.

برای تعیین رابطه بین قلدری و هوش هیجانی به کمک ضریب همبستگی مشخص شد که بین این دو متغیر در کل همبستگی منفی معنادار ( $-۰/۸۵۳$ ) و در خرده مقیاس‌های ویژگی‌های فردی قلدری با هوش هیجانی ( $-۰/۸۳۳$ ) و پویایی‌های گروه با هوش هیجانی ( $-۰/۷۰۹$ ) نیز همبستگی منفی وجود دارد که در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

برای پاسخ‌گویی به این سوال که آیا آموزش و تقویت هوش هیجانی به نوجوانان قلدر به بهبود هوش هیجانی آنان منتهی می‌شود، نتایج (جدول ۳) نشان می‌دهد که آموزش مولفه‌های هوش هیجانی به نوجوانان قلدر به افزایش و بهبود به‌کارگیری هیجان، تنظیم هیجان و ارزیابی و بیان هیجان در آنها منجر می‌شود ( $p < ۰/۰۵$ ). هم‌چنین نتایج نشان داد که آموزش هوش هیجانی بر رفتار قلدری نوجوانان در کل و هم در ویژگی‌های فردی و پویایی‌های گروه تاثیر معناداری داشته ( $p < ۰/۰۵$ ) و به کاهش قلدری منتهی می‌شود (جدول ۴).

به‌علاوه به‌منظور برآورد ضریب تعیین و بدست آوردن مدل

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل

آماره‌های توصیفی مربوط به سن	آزمایش	کنترل	سطح تحصیلات	آزمایش	کنترل	کل	درصد
تعداد	۱۰	۱۰	اول راهنمایی	۳	۱	۴	۲۰
حداقل	۱۲	۱۳	دوم راهنمایی	۶	۵	۱۱	۵۵
حداکثر	۱۶	۱۵	سوم راهنمایی	۱	۴	۵	۲۵
میانگین	۱۴	۱۵	کل	۱۰	۱۰	۲۰	۱۰۰
انحراف معیار (n-1)	۱/۴۳۴	۱/۱۳۵					

جدول شماره ۲- ماتریس همبستگی بین مولفه‌های هوش هیجانی و قلدری

هوش هیجانی و مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی / مقدار احتمال	قلدری، ویژگی فردی	قلدری، پویایی‌های گروه	مقیاس کل قلدری
به‌کارگیری هیجان	ضریب همبستگی معناداری	-۰/۶۷۵ ۰/۰۰۱	-۰/۴۲۸ ۰/۰۶۰	-۰/۶۴۱ ۰/۰۰۲
تنظیم هیجان	ضریب همبستگی معناداری	-۰/۵۶۰ ۰/۰۱۰	-۰/۵۰۶ ۰/۰۲۳	-۰/۵۸۴ ۰/۰۰۷
ارزیابی و بیان هیجان	ضریب همبستگی معناداری	-۰/۷۹۳ ۰/۰۰۰۱	-۰/۷۵۲ ۰/۰۰۰۱	-۰/۸۳۹ ۰/۰۰۰۱
هوش هیجانی کل	ضریب همبستگی معناداری	-۰/۸۳۳ ۰/۰۰۰۱	-۰/۷۰۹ ۰/۰۰۰۱	-۰/۸۵۳ ۰/۰۰۰۱

جدول ۳- شاخص‌های آزمون t مربوط به مقایسه میانگین گروه کنترل و آزمایش در هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن

مقیاس کل و خرده‌مقیاس‌های هوش هیجانی	تست لون (همگنی واریانس‌ها)		تست t	
	مقدار F	معناداری	مقدار t	درجه آزادی
به‌کارگیری هیجان	۳۲/۲۰۰	۰/۰۱۳	۳/۷۶۴	۱۱/۸۵۷
	۳۹/۴۰۰	۰/۰۰۳		
	۳۲/۲۰۰			
	۳۲/۴۰۰			
تنظیم هیجان	۳۲/۵۰۰	۰/۵۱۸	-۲/۵۱۲	۱۸
	۳۷/۱۰۰	۰/۴۳۵		
	۳۲/۷۰۰			
	۳۱/۴۰۰			
ارزیابی و بیان هیجان	۳۶/۹۰۰	۰/۱۰۵	-۷/۲۸۱	۱۸
	۴۹/۱۰۰	۲/۹۱۷		
	۴۱/۰۰۰			
	۳۹/۶۰۰			
مقیاس کل هوش	۱۰۱/۶۰۰	۰/۶۰۲	-۶/۷۲۳	۱۸
	۱۲۵/۶۰۰	۰/۴۴۸		
	۱۰۵/۹۰۰			
	۱۰۳/۴۰۰			

جدول ۴- شاخص‌های آزمون t مربوط به مقایسه میانگین گروه کنترل و آزمایش در قلدری و خرده‌مقیاس‌های آن

مقیاس کل و خرده‌مقیاس‌های هوش هیجانی	تست لون (همگنی واریانس‌ها)		تست t	
	مقدار F	معناداری	مقدار t	درجه آزادی
ویژگی فردی	۱۹/۴۰۰	۰/۰۹۶	۱۰/۹۱۱	۱۸
	۱۱/۹۰۰			
	۱۸/۴۰۰			
	۱۸/۳۰۰			
پویایی‌های گروه	۹/۳۰۰	۰/۳۷۵	۵/۵۸۲	۱۸
	۶/۳۰۰	۰/۵۴۸		
	۹/۱۰۰			
	۹/۱۰۰			
ارزیابی و بیان هیجان	۲۸/۷۰۰	۰/۳۲۴	۱۳/۷۶۲	۱۸
	۱۸/۲۰۰	۰/۵۷۷		
	۲۷/۵۰۰			
	۲۷/۴۰۰			

جدول ۵- آنالیز واریانس و پارامترهای مدل رگرسیون در مورد قلدری

منابع	مقدار	خطای معیار	آماره f	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۲/۱۱۵	۰/۸۱۲	۲/۶۰۶	۰/۰۱۸
مقیاس کل هوش	-۰/۲۹۶	۰/۰۴۳	۶/۹۳۴	۰/۰۰۰۱

### نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به این که سوادآموزی فقط یاددادن خواندن و نوشتن و حساب کردن نیست بلکه هدف غایی آموزش و پرورش آماده‌نمودن کودکان و نوجوانان برای ورود به زندگی اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای است که روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و با توجه به این واقعیت که قلدری در مدارس به‌خصوص در بین نوجوانان پسر و دختر به شکل جسمی، روانی و کلامی از شیوع بالایی برخوردار است و می‌تواند به پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون ترک تحصیل، افسردگی، کاهش عزت‌نفس و اعتیاد در آینده منتهی شود. لذا به‌لحاظ نظری، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نه تنها هوش هیجانی پایین و بی‌عاطفگی با قلدری، پدیده‌ای همبود بلکه به‌عنوان پدیده‌ای با ماهیت مستقل که می‌تواند قلدری نوجوانان را پیش‌بینی کند، عمل می‌نماید که مؤید مبانی نظری هوش هیجانی است و به‌لحاظ عملی نیز تذکرات و راه‌حل‌های مفیدی برای کلیه والدین، معلمان، مشاوران مدارس و اساساً نظام آموزش و پرورش در ارتباط با نحوه برخورد و مدیریت نوجوانان قلدر دارد. بنابراین، آموزش مهارت‌های هوش هیجانی به این نوجوانان به‌صورت گروهی می‌تواند در کنترل رفتار قلدری مؤثر بوده و راه‌حلی در درمان و آموزش آنها در نحوه رفتار مرتبط با بافت مدرسه باشد.

### منابع

- 1- Mayer JD, Salovey P. Emotional intelligence imagination, cognition, and personality. 1990;9:185-211.
- 2- Sobhaninejad M, Yozbashi A. Emotional intelligence and management on organization: Theoretical background, training method and assessments tools. Tehran: Yastaron Publication; 2009. [Persian]
- 3- Karimzadeh S. Emotional intelligence: Approach, physical background and tests. Tehran: Ashkan Publication; 2009. [Persian]
- 4- Golman D. Emotional intelligence: Emotional self-knowledge, self-controlling, empathy and help others. Translat by; Parsa N. Tehran: Roshd Publication; 2005. [Persian]
- 5- Bar-on R. Emotional and social intelligence: Insights from the emotional quotient inventory (EQ-I). In R Baron, JDA. Parker (Eds). Handbook of Emotional Intelligence. Sanfrancisco: Jossey-Bass. 2000.
- 6- Cash TF. Developmental teasing about physical appearance: Retrospective descriptions and relationships with body image. Social Strike (Eds.). Justice and caring: The search for common ground in education, 1995.
- 7- Battaglio C. School bullying: The inside story [Dissertation]. Canada: University of British Columbia. 2006.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش مولفه‌های هوش هیجانی نه تنها بر ویژگی‌های فردی نوجوانان قلدر هم‌چون؛ منحصر به‌فرد بودن، طردشدن، باهوش یا دیرآموز بودن، دوستان زیاد داشتن، دعواکردن یا فرار کردن، قدرت‌داشتن، دلبستگی‌نداشتن، ترک تحصیل کردن مؤثر بوده بلکه بر پویایی‌های گروه آنها هم‌چون؛ تعلق به گروه‌داشتن، مقصوب‌بودن، انتقام گرفتن، مورد احترام قائل‌نشدن، و جایگاه و مقام نداشتن را نیز بهبود می‌بخشد. آخرین یافته‌ها در خصوص مداخله‌های پیشنهادی برای کنترل رفتار قلدری در دو طبقه جای می‌گیرد. رویکرد نخست آموزشی است که براساس آن دانش‌آموز قلدر آموزش می‌بیند که از علل رفتارش آگاه شده و با افراد قربانی همدلی نماید، چیزی که در این افراد ضعیف است، رویکرد مداخله‌ای دوم تنبیهی است که پلیس به‌کار می‌برد، اما به‌نظر نمی‌رسد که این روش برای نوجوانان دارای صفت هوش هیجانی ضعیف و بی‌عاطفه که پاسخ ضعیفی به تنبیه در یادگیری راهبردهای رفتاری جدید دارند، مؤثر باشد و لذا نیازمند تحقیقات بیشتری است. در حالی که به نظر می‌رسد با آموزش و بهبود هوش هیجانی همراه با کنترل عوامل تقویت‌کننده رفتار قلدری و تقویت رفتارهای مخالف قلدری توسط والدین و همسالان کمک بیشتری به آنها می‌شود [۳۶]. سایر پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که آموزش هوش هیجانی خود کارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان را ارتقاء می‌بخشد [۲۴، ۲۵] و این آموزش‌ها بر شیوه‌های مقابله با استرس نوجوانان به‌خصوص در گروه پسران مساله‌مدار و گروه اجتنابی و هیجان‌مدار دختران تاثیر معناداری دارد [۲۶]، ضمن اینکه این مهارت‌ها می‌تواند درک هیجان‌های دیگران را امکان‌پذیر نموده و به‌طبع آن نوجوانان از حمایت اجتماعی بیشتر و احساس رضایت‌مندی بهتری برخوردار می‌شوند [۱۹] که به‌طبع آن قلدری نیز کاهش می‌یابد.

سرانجام، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که به‌میزان هر واحد افزایش هوش هیجانی، ۰/۲۹۶- از میزان قلدری نوجوانان کاسته می‌شود. سایر یافته‌ها [۳۳] نیز حاکی از کاهش مشکلات سلامت روانی، مشکلات تحصیلی، درون‌فکنی مشکلات، نشانه‌های اختلال استرس پس از ضربه و افزایش سازگاری فردی در دانش‌آموزانی است که در برنامه‌های تقویت هوش هیجانی شرکت نموده‌اند، می‌باشد [۲۳]. همچنین، تقویت هوش هیجانی در زمینه شخصی به احساس مثبت از خودداشتن، جرأت‌مندی، مدیریت خشم و در زمینه روابط به حل تعارض، احترام متقابل و رشد اخلاقی [۷]؛ و افزایش شناخت و مدیریت هیجانی منتهی می‌شود [۳۴].

- of high school students on divandara city [Dissertation]. Tehran: Shahid Beheshti University. 2008.
- 23- Bairamie M. The effect of EQ training on self-expression, self efficacy and students mental health. J Tabriz Univ Psychol. 2009;11:16-36. [Persian]
- 24- Sepehrian Azar F. The effect of EQ skills training on coping style with stress [Dissertation]. University of Oroumie. 2008. [Persian]
- 25- Daus CS, Ashkanasy NM. The case for an ability-based model of emotional intelligence in organizational behavior. J Organ Behav. 2005;26(20):453-66.
- 26- Jaeger AJ. Job competencies and the curriculum: An inquiry into emotional intelligence in graduate professional education. Res High Educ. 2003;44(6):615-39.
- 27- Matthews G, Zeidner M, Roberts RD. Emotional intelligence: Science and myth. Cambridge, MA: MIT Press; 2002.
- 28- Espelage DL, Swearer SM. (Eds.). Bullying in American schools: A social-ecological perspective on prevention and intervention. Mahwah, NJ: Erlbaum; 2004.
- 29- Power TI. Editorial Note: The context of peer victimization. Sch Psychol Rev. 2007;36:343-4.
- 30- Varjas K, Meyers J, Henrich, CC, Graybill EC, Dew BJ, Marshall ML, Williamson Z, Skoczylas RB and Avant M. Using a participatory culture-specific intervention model to develop a peer victimization intervention. J Appl Sch Psychol. 2006;22:35-58.
- 31- Meyers J, Meyers B. Bi-directional influences between positive psychology and primary prevention. Sch Psychol Quart. 2003;18:222-9.
- 32- Gilman R, Huebner ES, Furlong MJ. Handbook of positive psychology in schools. Published in UK by Routledge; 2009.
- 33- Nelis D, Quoidbach J, Mikolajczak M, Hansenne M. Increasing emotional intelligence: (How) is it possible?. J Pers Individ Diff. 2009;36-7.
- 34- Elias MJ, Zins JE, Weissberg RP, Frey KS, Greenberg MT, Haynes NM, and et al. Promoting social and emotional learning: Guidelines for educators; 1997.
- 35- Viding E, Simmonds E, Petrides KV, Fredevickson N. The contribution of callous-unemotional traits and conduct problems to bullying in early adolescence. J Child Psychol Psychiat. 2009;50:471-81.
- 8- Hazier RJ. Breaking the cycle of violence: Interventions for bullying and victimization. Washington, D.C: Accelerated Development; 1996.
- 9- Cummings EM, Zahn-Waxier. Emotions and the socialization of aggression. In A. Fraczek and H. Zumbey (Eds.), Socialization and aggression, John Willy; 1992.
- 10- McCarthy TG. Bullies and their victims: The killing ground. Dissertation Abstracts International Humanities and Social Sciences. 1998;58(9-A):3470.
- 11- Tremblay RE. The development of aggressive behaviour during childhood: What have we learned in the past century? Int J Behav Dev. 2000;24(2):129-41.
- 12- Cullingford C, Morrison J. Bullying as a formative influence: The relationship between the experience of school and criminality. Brit Educ Res J. 1995;21(5):547-60.
- 13- Strauss A, Corbin J. Basics of quantitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks, Calif; 1998.
- 14- Schutte NS, Malouff JM, Hall LE, Haggerty DJ, Cooper JT, Golden CJ, Dornheim L. Development and validation of a measure of emotional intelligence. J Pers Individ Diff. 1998;25(22):167-77.
- 15- Pashasharifie H. Research questionnaire on psychology, education and sociology. Tehran: Sokhan Publication; 2009. [Persian]
- 16- Mohhamadi SD, Gharaie B. The relationship between behavioral disorder with students emotional intelligence. J Kerman Univ Med Sci. 2008;14:289-99. [Persian]
- 17- Khosrajavid M. Validity and reliability of Schutte emotional quantity scale on adolescents [Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modars University, 2002. [Persian]
- 18- Ciarrochi J, Chan AYC, Bajgar J. Measuring emotional intelligence in adolescents. Pers Individ Diff. 2001;31(7):1105-19.
- 19- Bradbery M, Grives J. What is EQ and why is important than IQ. Translate by Ebrahimie H. Tehran: Nasle Now Andish Publication. 2009. [Persian]
- 20- Mayer J, Salovey P. What is emotional intelligence? New York Basic-Books, 1997.
- 21- Ghanbarie B, Bagherie H. The efficacy of EQ skills training on increasing it in adolescents. J Educ Psychol Res. 2009;9:157-65. [Persian]
- 22- Naghdie H. The effect of EQ training on aggression